

جي جي ڪاميٽي پڪو

www.ketab.ir

مؤلف: سهراب سعیدی / محسن دهقان

سرشناسه	سمیدی، سهراب، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	چی چی کای بپ گپو: قصه‌های پدربزرگ / تالیف سهراب سمیدی و محسن دهقانی.
مشخصات نشر	قم: دارالتفسیر: بندرعباس: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۸۰ ص.
فروست	قصه‌های مردم هرمزگان.
شابک	۱۰۰۰۰۰ ریال 2-408-535-964-978 :
وضعیت فهرست نویسی	فایا
عنوان دیگر	قصه‌های پدربزرگ.
موضوع	افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی -- هرمزگان
موضوع	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس
رده بندی کنگره	۸۷۵۵PIR / س ۷ چ ۹ ۱۳۹۳
رده بندی دی‌سی	۳۹۸/۲۰۹۵۵۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۲۱۷۵۱

چی چی کای بپ گپو

مؤلف: سهراب سمیدی / محسن دهقان

ناشر: دارالتفسیر

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۳ / ۱

چاپخانه: نینوا

شمارگان: ۱۰۰۰۰

شابک: ۲-۴۰۸-۵۳۵-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۳		داستان شاه کلاغ
۲۱		پیرمرد شیر فروش
۲۵		کودک و دزد
۲۷		زن مکار
۳۱		کدو پل مالکی
۳۵		سه پسر پادشاه
۳۹		پیرزن و شیطان
۴۵		پیرمرد هیزمشکن و دیوهای نادان
۴۷		محمدک و نامادری
۵۱		زن کم عقل و رمضان
۵۳		سه برادر
۵۷		پسر کنیزک و دختر پادشاه
۵۹		جوان و سه بلبل راهنما
۶۳		نوکر و خمره‌ی طلا

- ۶۷..... پسر تاجر و دختر نجار
- ۷۱..... ملک محمد
- ۷۵..... جن و کیسه
- ۷۹..... پادشاه و آهو
- ۸۳..... قصه جمشید و سلطان
- ۸۷..... شاه اسماعیل و دختر ناخدای کشتی
- ۹۳..... صادق خان
- ۱۰۱..... انگشت محمدک
- ۱۰۷..... برگ کنار
- ۱۰۹..... خاتون و ملک محمد
- ۱۱۵..... دختر پادشاه و گوهر شب
- ۱۱۷..... گاو زرد
- ۱۲۱..... درخت طلا
- ۱۲۳..... دخترک گرگا فروش
- ۱۲۷..... شاه خاتون بابا
- ۱۳۳..... پسر پادشاه و دختر شاه پریون
- ۱۳۷..... محمدک دارچین (هیزم شکن)
- ۱۴۱..... مرد بازرگان و پیرزن
- ۱۴۵..... قصه پیرزن و گربه
- ۱۴۹..... سه دختر و یک برادر
- ۱۵۳..... مرد صیاد و گوهر شب چراغ
- ۱۵۷..... فرزندان دو قلوئی پادشاه
- ۱۶۳..... نمکو
- ۱۶۷..... شاه ماران
- ۱۷۳..... کاکل زری و دندان مروارید
- ۱۷۹..... ملک محمد

مقدمه

آداب و رسوم و ادبیات شفاهی ثمره و دستاورد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حیات جمعی یک ملت از بدو پیدایش تا کنون آن است که مامن آن را در هیچ جایی، جز یاد و خاطر نیاکان و نیاکان بشری نمی‌توان سراغی گرفت. اما امروزه که یاد و خاطره‌ی گذشته و تجربه‌ی هویت و فرهنگ زبان و گویش تحت تأثیر پدیده‌هایی چون جهانی شدن، همشکلی و برهنگی (برهنه شدن از سرمایه فرهنگی) دستخوش فراموشی شده است. بر محققان دلسوز و فرهیخته ملی بومی فرض است که به حفظ این گنجینه عظیم دانش بپردازند و با مکتوب کردن آن ضمن فراهم نمودن امکان شناخت هر چه بیشتر هویت ملی، منطقه‌ای و جهانی، از آن به عنوان فاکتوری تأثیرگذار فراهم آورند.

اما قصه‌ها و افسانه‌ها به عنوان بخش مهمی از فرهنگ هر قوم، در گذشته بیشتر از ابزارهای تعلیم و تربیت به شمار می‌رفت، کودکان با گوش دادن به قصه‌ها و خواندن و بازگویی آن عواطف و احساسات خود را لطیف می‌نمودند و همین‌طور قصه‌خوانی سبب گسترش گنجینه‌ی لغات و رشد قوه‌ی تکلم او شده است و به اندیشه‌ی کودک نظم منطقی می‌دهد.

کودکان از طریق قصه‌هاست که با مشکلات و مسایل زندگی آشنا می‌شوند و به رشد اجتماعی مطلوبی دست می‌یابند؛ همچنین قصه‌ها در ساخت شخصیت‌های «خوب» و «بد»

با هم درگیرند و کودک با توجه و دقت در گفتار و کردار این شخصیت‌ها به خوبی می‌تواند درست بودن یا نادرست بودن سخنان و اعمال آنها را درک کند و نکته‌های مهمی بیاموزد. از آنجا که اغلب، قهرمان خوب قصه‌های کودکان، در پایان قصه کامیاب می‌شود، کودک از طریق غریزه تقلید و همانندسازی تحت تأثیر شخصیت قهرمان داستان قرار گرفته، از گفتار و کردار او تقلید می‌کند علاوه بر آن گوش دادن به قصه‌ها در سنین کودکی، یکی از راه‌های انس با کتاب و ایجاد شوق و علاقه به مطالعه در کودک به شمار می‌رود.

شنیدن خواندن افسانه‌ها و سایر انواع قصه‌ها، اندک اندک کودکان و بزرگسالان را قادر می‌سازد که خودشان قصه بسازند و بنویسند. اگر آنچنان که پژوهشگران توصیه می‌کنند، مادران از ۶ ماهگی یا حتی کمتر ۹ ماهگی، برای کودک خود لالایی بخوانند و قصه بگویند، وی خواهد توانست از حدود ۴ سالگی در مورد اتفاق‌هایی که برایش پیش آمده قصه بگوید و داستان بسازد و یا قصه‌های ساده‌ای را که قبلاً شنیده بازگو کند. طبیعی است که هر قدر کودک بیشتر قصه شنیده باشد، در سادگی و بازگو کردن قصه‌ها مهارت بیشتری خواهد داشت. به عبارت دیگر، می‌توان گفت برای تسهیل ساختن زندگی کودک قصه باید علاوه بر سرگرم کردن و تحریک کنجکاوی، تخیل او را نیز پررنگ کرد و به او کمک کند تا فهم و ادراک خود را بالا ببرد و عواطف خویش را منظم سازد. علاوه بر این، قصه باید با نگرانی‌ها و آرزوهای کودک هماهنگ شود تا کودک بتواند به مسائل و مشکلات خود پی ببرد و در همان حال، راه‌حلی برای مسائلی که وی را پریشان می‌سازد، بیابد.

در بین اهالی هرزگان افسانه‌های و قصه‌های مختلفی، نقل می‌گردد. بیشتر این افسانه‌ها و قصه‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند و گاهی اوقات که فرصت مناسبی نظیر شب‌نشینی پیش آید افراد مسن‌تر آنها را برای بقیه تعریف می‌کنند. به همین سبب «قصه» تحت عنوان «گپ شو» gape s'ow یعنی صحبت شبانه شناخته می‌شود.

اما درونمایه‌ی قصه‌های عامیانه هرزگان از این قرار است: قصه‌ها معمولاً، جمله‌هایی ابتدائی، میانی و پایانی دارند. اغلب قصه‌ها با عبارات می‌گویند، یک روزی، یک نفری بود، یک پادشاهی بود و روز و روزگاری شروع می‌شوند. و در پایان قصه‌ها با عبارات گپ ما به یه خشی

عاقبت به یه جا رسی، یا قصه‌ی ما برشت برشت، مرده‌ی ما کنج بهشت! به پایان می‌رسد.

قصه‌های هرمزگان مانند همه‌ی قصه‌ها دارای فهرستی ثابت از اشخاص دست‌اندرکارند با نقش‌های تیپیک خود که از اسباب و لوازم ثابت و بدون تغییر آن به شمار می‌روند. قهرمان نوعی اصلی شاهزاده (پسر پادشاه) است که در جریان حوادث داستان‌ها به اختصار جوان نامیده می‌شود و معمولاً سومین یا کوچک‌ترین پسر پادشاه است، در حالی که دو برادر بزرگ‌تر نقش‌های منفی به عهده دارند. این قهرمانان به ماجراهایی دست می‌زنند، بر دیوها و عفريت‌ها پیروز می‌شوند، از عهده‌ی انجام دادن وظایف برمی‌آید و از این رهگذر سرانجام به شاهزاده خاتم محبوب خود می‌رسند. نقش پسر تاجر، شکارچی و غیره هم که پس از انجام دادن ماجراها با شاهزاده عهده می‌کند و خود شاه می‌شوند نیز نظیر و موازی همین پسر پادشاه است. یک قهرمان شاهان توجه کچل است که اغلب شغل چوپانی دارد. کچل در ابتدای قصه اغلب موجودی است مشابه که بی‌تیل است یا ترسو و در هر حال تنگدست و فقیر، هر چند که بر حسب اوضاع و احوال ظاهرش هیچ نمی‌توان منتظر اقدامات پهلوانی از طرف او بود، به محض اینکه از او انجام دادن اقدامی خواسته می‌شود، با به کار بردن حيله و زیرکی، هفت خطی، بی‌باکی و جسارت. از این طریق است که او هم مانند پسر پادشاه مشکل‌ترین وظایف را انجام می‌دهد و سرانجام اغلب با شاهزاده خانم عروسی می‌کند و در نهایت شاه می‌شود. یک شخصیت اصلی دیگر که مخالف قهرمان داستان است، شاه است. صفات بد و نامطلوبی به وی نسبت داده می‌شود همچون حسد، غرور و ستمگری یا حداقل اینکه قدرت و توانایی آن را ندارد که خود عقیده و رأیی ابراز کند. بلکه باید گفت او به تبع از حرف‌های زیرگوشی، نجواها و بدگویی‌های زیردستان و مشاوران خود و بیش از همه وزیرش حکومت می‌کند و قضاوت او همیشه بر حسب ظواهر امور است. در بعضی از قصه‌ها پادشاه به شدت تحقیر می‌شود. در قصه‌ها بدون هیچ استثنا مشاغل کلیه‌ی قشرها ذکر می‌شود؛ اما نقش‌های چوپان و خارکن از اهمیت بیشتری برخوردار است. تاجر یا کاسب که از نظر اجتماعی به طبقه‌ی متوسط تعلق دارد، اغلب دارای خصایص منفی و نامطبوع است.

از سایر مشاغل در قصه با مختصر قضاوتی درباره‌ی ارزش‌های آنها یاد می‌شود. بیشترین

فردی که در قصه‌های هرمزگان رنج می‌بیند و مشکلات او نمود پیدا می‌کند، نافرزدی یا پیش‌زاده است. درویش مردی است تهیدست و مومن، اغلب در سیر و گشت که رابطه‌ی خاصی با خدا دارد و این امر باعث شده است که وی اغلب به عنوان مددکار و یا حداقل به عنوان واسطه وارد ماجرا شود.

در پایان امید می‌رود قصه‌ها و افسانه‌های کهن این کتاب اطلاعات مفید و ارزنده از آداب و رسوم مردم روزگاران گذشته استان هرمزگان در اختیار خواننده قرار دهد و سبب شود بداند نیاکانش در گذشته چگونه فکر می‌کردند و چه آداب و رسومی داشته‌اند.

سهراب سعیدی

تابستان ۱۳۸۸ میناب